

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا)

جلسه ۵۷

۱۳۹۵ / ۰۲ / ۲۷

فهرست

- تجلی نور محمدی در خانه امام حسین (علیه السلام)
- تربیت ویژه حضرت علی اکبر (علیه السلام) توسط ائمه (علیهم السلام)
- جوانی که جمع اضداد بود
- حضرت بقیت الله، منتظر علی اکبرها هستند
- گناهان کبیره و صغیره
- شیطان با گناهان صغیره، مؤمنان را جهنمی می کند
- سخن پایانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمند

تجلی نور محمدی در خانه امام حسین (علیه السلام)

گفتن به پیامبرت». تعبیر بسیار عالی است. شبیه‌ترین مردم به پیامبر در بخش تکوین که خلق باشد و در جنبه‌های اختیاری و تشریحی شخصیت که عبارت از خلق و منطق باشد، حضرت «علی اکبر» است. حضرت در مقام دعا بودند و کسی مخاطب حضرت نبودند؛ لذا از تعبیر «نیک» استفاده کردند.

تصور شخصیت حضرت علی اکبر (سلام الله علیه) برای کسی که اندک آشنایی با بیت رسالت داشته باشد، حقیقتاً شوق‌انگیز و هیجان‌انگیز است. کارگاه خلقت به دست مبارک سیدالشهدا (علیه السلام) که ولی کامل و حجت بالغه‌ی الهیه است، عالی‌ترین هدیه‌ی ممکن را به بشریت و اسلام و دستگاه الهی تقدیم کرد.

دست به دست هم دادن جریان خلقت طبیعی با ساز و کار تربیتی حسینی، خیلی عجیب است. دستگاه خلقت، هنرمندانه، فتوکپی کرده و سیما و قد و قامت حضرت علی اکبر با پیغمبر اکرم (ص) مو نمی‌زده است. به نظر می‌آید که هدیه‌ی ویژه‌ی

ماه معظم شعبان، شتابان دارد به نقطه‌ی اوج خودش نزدیک می‌شود. مناسبت‌های بسیار خوبی را پشت سر گذاشتیم. قبل از ایام الیض، یک مناسبت بسیار فرخنده و مبارک دارد که ولادت باسعادت حضرت علی اکبر (علیه السلام) است که شب و روز بسیار فرخنده‌ای است. یکی از دوستان باسلیقه در کتابی که به مناسبت گزارش شخصیت حضرت علی اکبر (علیه السلام) نوشته‌اند، تعبیری انتخاب کرده‌اند که خیلی درست و دقیق و شوق‌انگیز است تحت عنوان «دوباره پیامبر». این برداشتی از آن تعبیر عالی و افتخارآمیز حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) درباره‌ی حضرت علی اکبر (علیه السلام) است که فرمودند: «أَشْبَهُ النَّاسِ خَلْقاً وَ خُلُقاً وَ مَنْطِقاً بِنَبِيِّكَ»؛ [۱] شبیه‌ترین مردم در آفرینش و الخاق و سخن

و ولایت است. پس آن طرف، دستگاه خلقت در تصویرگری هنرمندانه عمل کرده و کپی برابر با اصل ارائه کرده است. این طرف هم، سیر ولایت الهی در وجود مقدس سیدالشهدا (علیه السلام)، تمام تجربه و امکان تأدیبی و تربیتی خود را به میدان آورده و این شخصیت را از نظر روان و خُلق و سرمایه‌ها تراش داده است.

اما خود آن بزرگوار نیز در مقام سلوک، هوشمندانه و هنرمندانه و با سرعتی فوق‌العاده سیر کرده است. ایشان هر روز در مراتب فکری، جهان‌بینی، نحوه‌ی بیان و ظریف‌کاری‌های اخلاقی، به پیامبر اکرم (ص) شبیه‌تر و شبیه‌تر می‌شد. در جمله‌ی حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) کلمه‌ی «خُلُقاً» بیان شده است. لازم است که ذکر شود آنچه در شخصیت اخلاقی پیامبر گرامی اسلام، جلوه‌گری ویژه دارد، ظریف‌کاری‌ها است. اخلاق فوق‌العاده مینباتوری و لطیف و ظریف و جذاب و دلبرانه که در یک کلمه به مِلح تعبیر می‌شود.

خدای متعال در بیت حسین بن علی، بلکه در بیت رسالت است؛ چراکه اهل بیت نسبت به پیامبر اکرم (ص) شدید الاشتیاق و شدید المحبت بودند. امام حسین و امام حسن و زینب (سلام الله علیهم) عاشق پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بودند و در این بیت، یکی پس از دیگری، در محبت به ایشان گوی سبقت را از هم می‌ربودند. حال خدای متعال در پاسخ به این عشق، از دستگاه خلقت، چنین هدیه‌ی بزرگی را به بیت رسالت و امامت تقدیم کرد و این یک هدیه‌ی ویژه است.

تربیت ویژه حضرت علی اکبر (علیه السلام) توسط ائمه (علیهم السلام)

حضرت سیدالشهدا، امام حسن، حضرت ابوالفضل، حضرت زینب و بعدها امام علی بن حسین (علیهم السلام) دست به دست هم دادند و یک استعداد متفاوت برای طلوع و رویش و عرضه به بشریت تقدیم کردند. علی اکبر (علیه السلام) قبه‌العرش حسینی و نماد و علامت و پرچم و مایه‌ی مباحثات و افتخار بیت رسالت

مطالبی بیان شده که نشان می‌دهد حضرت رسول، خیلی فوق‌العاده است و انسان وقتی صفات ایشان را می‌شنود، هوش از سرش می‌رود. ما فقط شنیده‌ایم؛ اما این ظرافت‌ها را با دیدن می‌توان درک کرد و هیچ وقت شنیدن، جای دیدن را نمی‌گیرد. برخاستن و نشستن و صحبت کردن و نگاه کردن‌های پیامبر و ظرافت‌هایشان در معاشرت و مراقبت‌ها و دیدن‌ها و زیبایی‌های تربیتی، با دل‌های مردم آن زمان چه می‌کرده است!

جوانی که جمع اضداد بود

بنا بر اسناد و با مراجعه‌ی به منابع، می‌توان حدس زد که سن حضرت علی‌اکبر در زمان شهادت، ۲۷ سال بوده که قله و ماه تمام جوانی است. شب چهارده سن انسان در سیر درست، ۲۷ سالگی است. اگر ما همین ۲۷ سال را در نظر داشته باشیم، علاوه بر امام حسن و امام حسین (علیهما السلام)، امیر المؤمنین (سلام الله علیه) نیز جزء منابع تربیتی ایشان بوده‌اند. حضرت علی‌اکبر (علیه السلام)

از حضرت سؤال شد: یوسف زیباتر است یا شما؟ فرمودند: «یوسف از من زیباتر بود؛ اما من از ایشان بانمک‌تر هستم». [۲] همه‌ی خوبان عالم زلیخای پیامبر اسلام (ص) شده بودند. به قول حافظ: «حُسنَت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت؛ آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت».

نکته لطیفی در این سخن پیامبر نهفته است. گویا حضرت از زیبایی ظاهری با لطافت عبور می‌کنند تا حسن جناب یوسف (سلام الله علیه) و کار ممتازی که دستگاه خلقت انجام داده، باقی بماند و دست نخورد.

غرض آنکه مسئله‌ی ملاحظت که در فارسی از آن به نمکین تعبیر می‌کنیم، حکایت از ظرافت‌های رفتاری حضرت دارد که خیلی عجیب است. بر اساس روایات و قرآن کریم، حقیقتاً پیامبر عزیز ما فوق‌العاده بود. کاش عمر یاری می‌کرد و فرصت می‌شد در یک تحریر تفصیلی دقیق، این سیمای پر فروغ در آینه‌ی وحی ارائه می‌شد. در کلمات اولیای خدا و گزارش‌های مؤمنان صدر اسلام،

لابه‌لای شاخساران یک درخت تازه به شکوفه‌نشسته می‌ماند. اما همین انسان با آن‌همه لطافت و طراوت و نشاط و شکفتگی و زیبایی و حُسن، وقتی بر دشمنان خدا طلوع می‌کند، گویی کل الجلال و همه‌ی عزت به میدان آمده است. جمع بین این دو، هنر دستگاه تربیت حسینی است. حضرت علی اکبر (علیه السلام) مصداق «أَذْلَهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ [۳] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند» است. در حُسن فاعلی این‌گونه است: «يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ»؛ [۴] [خدا] آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند». در حُسن فعلی نیز چنین است: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»؛ [۵] در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند». جمع اینها در اصطلاح اهل دقت، فتوت است که در شخصیت حضرت علی اکبر (علیه السلام) متجلی شده است. گویا خداوند تبارک و تعالی خواسته است در همین دنیا پاداش حسین بن علی (علیه السلام) را کرامت کند.

از امیر المؤمنین، امام حسن، امام حسین و حضرت زینب (علیهم السلام)، و در عالم رفاقتی از حضرت ابوالفضل و در عالم اشراقی از حضرت سید الساجدین (علیهما السلام) سهم دارد. براینده‌های اینها به خصوص هنر تربیتی سیدالشهدا (علیه السلام)، حضرت علی اکبر شده که دارای روح باشکوه مملو از عظمت و عزت بوده است. جمع هنرمندانه بین عزت و رحمت می‌شود فتوت. این را دوستان اهل معرفت از ما به یادگار داشته باشند که جمع عزت و رحمت می‌شود فتوت. از نظر غلبه‌ی ویژگی‌های شخصیتی، برخی جمالی‌اند و برخی جلالی؛ بعضی عزتی‌اند و برخی رحمتی؛ اما «العَجَبُ ثُمَّ العَجَبُ، جَمْعُ العِزَّةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الْجَمَالِ وَ الْجَلَالِ فِي شَخْصِيهِ وَاحِدَةً»؛ تمام شگفتی آنجا است که عزت، رحمت، جمال و جلال در یک شخصیت جمع شود». حضرت علی اکبر (علیه السلام) در فضای مؤمنین و دوستان و اهل بیت، مثل شب‌نم صبح بهاری نشسته بر چهره‌ی گل است و به نسیم صبح بهاری در

در حیرتم از وساطت او بین سیدالشهدا و پیغمبر اکرم! در روز عاشورا گفت: «هَذَا جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ... يُقْرَأُكَ السَّلَامُ» [۶] این جد من، پیغمبر است که به تو سلام می‌رساند».

اگر دقت کرده باشید، اخیراً رهبر عزیز و عالی‌قدرمان که انسان دورنمای شخصیت حضرت علی اکبر (علیه السلام) را در شخصیت ایشان می‌بیند، در مورد کلمه‌ی مبارک، توضیح دادند و گفتند: از خدای متعال برای خودمان و فرزندان و جامعه‌مان توفیق می‌خواهیم که در مقام اقتدا از این شخصیت بزرگ نصیب داشته باشیم. در مورد ولادت ائمه نیز همین‌طور است. ما باید از مروّت، فتوت، عزت، جوانمردی، لطافت، رحمت، شکوه، جمال و جلال آنان سهم داشته باشیم. در این صورت ولادت آنان بر ما مبارک می‌شود؛ و الاً اکتفا به چند برنامه مداحی مفید نخواهد بود. ما دعا و آرزو و توقع می‌کنیم که از آن حقیقت، نزاهت، قداست و پاکی، رقیقتی، و از آن دریا،

قطره‌ای به ما برسد. خوب شد که میلاد حضرت علی اکبر (علیه السلام) به اسم روز جوان نامگذاری شد. بسیاری از شیاطین و منافقین علاقه نداشتند که این نام بر این روز گذاشته شود. الان روز جوان ما، روز میلاد علی اکبر (علیه السلام) است. این مسئله شاخص و نصاب می‌دهد و عطف ذهنی و روانی و توجه می‌آورد و ذهنیت‌ها را به یک سیستم تربیتی معطوف می‌سازد. وقتی می‌گوییم روز جوان جمهوری اسلامی یعنی روز میلاد علی اکبر، سؤال می‌شود که: چرا این روز برای جوان انتخاب شده است؟ بعد به اوصاف آن حضرت توجه می‌گردد و این، باعث ذکر می‌شود.

امیدواریم این روز کم‌فروغ نشود. زمانی سازمان جوانان می‌خواست در روز جوان ایرانی، جشنواره‌ی حضرت علی اکبر (علیه السلام) برگزار کند؛ اما با شیوه‌های غیر اسلامی. به جای آنها، شماها در این موضوع جدی باشید و هر کسی، هر کاری می‌تواند، در این زمینه انجام دهد.

دنبال می‌کنیم. ذهن خود من عمدتاً معطوف به مسئله‌ی مهم «تربیت» است که باید آن را جدی گرفت. حضرت منتظر از راه رسیدن چنین یارانی هستند. خوشبختانه ما در زمانی هستیم که باب نصرت گشوده شد و دوران انفتاح و گشایش باب نصرت است. کار بزرگ انقلاب اسلامی این بود. یک باره جمع عظیمی، در مقدمه‌سازی و تمهید ظهور، ذیل شخصیت امام راحل عظیم‌الشأن از راه رسیدند. روزگار ما از این جهت، روزگار متفاوتی است. بچه‌های خود را طبق این مبنا تربیت کنید؛ فرقی بین دختر و پسر نیست؛ مبنا همین است و فقط جنبه‌ی تربیت دخترانه و پسرانه فرق می‌کند. بیت شما بیت یاری حضرت باشد و خودتان همین ویژگی‌ها را تمرین کنید. چنین واحدی در مقام نصرت، مانند یک امت عمل می‌کند و با وجود اینکه یک خانواده است، به منزله‌ی یک جامعه عمل می‌کند. در زمان ما هم که حجت تمام است و هیچ تردید

از آن فرصت‌هایی است که در اتحادیه باید قدر دانسته شود؛ به خصوص با توجه به تأکیدات آقا بر جوانان.

حضرت بقیت‌الله، منتظر علی اکبرها هستند

راه نیمه‌ی ماه معظم شعبان در مسیر تربیت، از روز یازدهم و از اقتدای به حضرت علی اکبر (صلوات الله و سلامه علیه) می‌گذرد. حضرت بقیت‌الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منتظر علی اکبرها هستند؛ چراکه فقط آنان می‌توانند حضرت را یاری کنند. انصارالمهدی همین جوان‌هایی هستند که از راه می‌رسند. وقتی انسان ویژگی‌های فرزند رشید سیدالشهدا (علیه السلام) را به قدر استطاعت در شخصیت خود جاری سازد، می‌تواند ولیّ خدا را نصرت کند. نصاب نصرت، با شخصیت حضرت علی اکبر (علیه السلام) معرفی شده است.

با اجرا و دنبال کردن این مسئله در خودمان و در خانواده و فرزندان و شاگردانمان، می‌توانیم مسیر یاری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را

کوچک بشمارد. برخی گناهان کبیره در بین ما به اندازه‌ی صغیره اهمیت ندارد. نمونه‌اش غیبت است که با آنکه جزء «اکبر الكبائر» شمرده شده است، اما در نگاه اجتماعی ما، «اصغر الصغائر» هم محسوب نمی‌شود و این همان «استِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ» است.

شبهه ربا خیلی عادی و ابتلای به آن راحت شمرده می‌شود، حال آنکه این همان گناهی است که قرآن کریم آن را به صراحت در حکم اعلام جنگ با خدای متعال دانسته است.

پس آنجا بحث «استِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ» به معنای اعم مطرح بود، اما اینجا یک مطلب خاص تأکید می‌شود و آن، «اِخْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ» است.

گناهان صغیره طبق تقسیم داخلی و فقهی به حسب عوارض و میزان تخریب فردی و اجتماعی و... به صغیره و کبیره تقسیم می‌شود که این تقسیم‌بندی از آیات قرآن استخراج شده است. قرآن می‌فرماید: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

و سؤالی نیست؛ مگر کسی بخواهد خود را سرگرم کند. در زمان ما همه‌ی مقدمات مهیا است و خدا را شکر می‌کنیم برای چنین رهبر و نظامی. بحمدالله یاران حضرت دارند ساخته می‌شوند؛ اما باید بیشتر تلاش کرد.

گناهان کبیره و صغیره

در بررسی صحیفه‌ی مبارکه، به این فراز رسیدیم: «نَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ. وَ اِخْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ. وَأَنْ يَسْتَحُوذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ. أَوْ يَنْكَبِنَا الزَّمَانُ أَوْ يَهْضَمَنَا السُّلْطَانُ».

اِخْتِقَارِ به معنای حقیر و کوچک شمردن است. الصغیره که در برابر الکیبیره است، به تقسیم‌بندی داخلی گناه اشاره دارد. «وَ اِخْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ» یعنی کوچک و کم انگاشتن گناهان کوچک. حضرت در فراز دیگری گفته بود: «الإِضْرَارِ عَلَى الْمَأْتَمِ وَ اِسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ» که معصیت اعم از کبیره و صغیره است؛ یعنی انسان گناه را کوچک و عادی بشمارد. حتی ممکن است انسان به جایی برسد که گناه کبیره را

پنج مورد، جای دیگر هفت مورد و یک جا، تعداد بیشتری به عنوان گناه کبیره نام برده شده است.

خدا آیت‌الله دستغیب (اعلی الله مقامه الشریف) را رحمت کند که طی یک بررسی محققانه، اثری به نام گناهان کبیره نوشته‌اند. به ایشان گفته بودند: شما صاحب «گناهان کبیره» هستید! ایشان هم بلافاصله گفته بودند: من صاحب «قلب سلیم» [۹] هم هستم. در نگرش فقهی، سایر گناهان، صغیره و لمم محسوب می‌شود. اما از نظر اخلاقی و سلوکی، گناه صغیره وجود ندارد و همه گناهان، کبیره محسوب می‌شود؛ زیرا نباید به کوچکی گناه نگاه کنیم؛ بلکه باید ببینیم که معصیت چه کسی را انجام می‌دهیم.

شیطان با گناهان صغیره، مؤمنان را جهنمی می‌کند

نکته‌ی کلیدی در مورد صغائر این است که پرتگاه مؤمنان، صغائر هستند، نه کبائر. دام اصلی شیطان برای به زنجیر کشیدن مؤمنان و بردن آنها به قلب جهنم کبائر

وَنُذِخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا: [۷] اگر از گناهان بزرگی که از آن‌ها [ها] نهی شده‌اید، دوری گزینید، بدی‌های شما را از شما می‌زداییم، و شما را در جایگاهی ارجمند درمی‌آوریم». بر اساس این آیه، بخشش گناهان کوچک مشروط به حفظ از کبائر است. کبائر هم از شرک به خدای تعالی شروع می‌شود و تا غیبت و امثال آن امتداد می‌یابد.

در جای دیگری نیز به این تقسیم اشاره شده است. آنجا صغائر، «لمم» نامگذاری شده است: «الَّذِينَ يَجْتَبِئُونَ كِبَائِرَ الْإِنَّمِ وَالْفَوَاحِشِ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ: [۸] آنان که از گناهان بزرگ و زشتکاری‌ها - جز لغزش‌های کوچک - خودداری می‌ورزند، پروردگارت [نسبت به آنها] فراخ‌آمرزش است». پس این تقسیم در قرآن آمده و معیار آن هم وعده‌ی عذاب است. آنجا که نسبت به یک گناه، وعده‌ی جهنم و عذاب داده شده باشد، آن را جزء کبائر می‌دانیم. روایات کبائر متعدد هستند. در بعضی از روایات، فهرستی از کبائر نام برده شده که یک جا

نیست؛ چراکه بر اساس طبع ایمانی، از ارتکاب کبائر ابا دارند. جامعه‌ی مومنان به اعتبار گناهان کبیره عصمت دارند. شما هم عصمت دارید و عصمت شما نسبت به کبائر است، مثلاً در شرک جلی، الحمدلله همه‌ی شما معصوم هستید. هنر مؤمن آن است که این عصمت پایه را توسعه دهد و در امتداد زندگی، آن را دائماً تقویت کند و در منازل تقوا سیر داشته باشد. قرآن نیز به مؤمنان چنین دستور می‌دهد: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ: [۱۰] پس تا می‌توانید از خدا پروا بدارید»؛ «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ: [۱۱] از خدا آن‌گونه که حق پروا کردن از او است، پروا کنید». شیطان برای اینکه عصمت مؤمنان را از آنان بگیرد، برنامه‌ریزی می‌کند و برنامه‌ریزی جدی شیطان، همینجا است. آیا شیطان می‌تواند با گناهان کبیره، مؤمنان را از محیط ایمان حذف کند؟! نوعاً نمی‌تواند. راه ورود شیطان به فضای مؤمنان، از طریق صغائر است. چگونه می‌تواند وارد چنین طراح‌ی خطرناکی شود؟! با «احتقار الصغیره» که بحث

فعلی ما است؛ یعنی گناه صغیره را کوچک انگاشتن و حقیر دانستن. گناهان صغیره را کم شمردن، آغاز بیچارگی‌های مؤمن است. شیطان مؤمن را به کبیره و بی‌عفتی دعوت نمی‌کند؛ اما دائماً به هرزگی چشم و چشم‌چرانی دعوت می‌کند. این نگاه‌ها نسبت به گناه بی‌عفتی، صغیره است و وقتی نگاه به نامحرم و ارتباطات صمیمانه‌ی بین نامحرم‌ها را عادی‌سازی کرد، مقدمات ارتکاب آن فاحشه‌ی کبیره مهیا می‌شود.

از حضرت علی بن موسی الرضا (علیه آف النجیه و النسا) نقل شده که فرمودند: «الْصَّغَائِرُ مِنَ الذَّنُوبِ طُرُقٌ إِلَى الْكِبَائِرِ؛ گناهان کوچک، زمینه گناهان بزرگ است». حضرت در مقام تعلیل فرمودند: «مَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ فِي الْفَلِيلِ لَمْ يَخَفْهُ فِي الْكَثِيرِ: [۱۲] هر که در گناه کوچک از خدا ترسد، در گناه بزرگ هم از خدا نخواهد ترسید».

اینجا یک عام داریم که «استصغار المعصیه» است و حال، ذکر خاص بعد از عام آمده است که «احتقار

باشد». چنین آدمی به قعر جهنم می‌رود؛ زیرا خود را مستحق هیچ نوع مؤاخذه‌ای نمی‌داند و خود را پاک می‌داند. این همان جسارت است.

مشکل در «احتقار الذنوب» این است که انسان از دایره‌ی توبه خارج می‌شود؛ زیرا گناه را کوچک می‌شمارد و از توبه غافل می‌شود و اساساً خود را نادم و گناهکار نمی‌داند تا بخواهد خود را اصلاح کند.

سخن پایانی

بحث ما اینجا تمام می‌شود و تفصیل مطلب و نحوه‌ی درمان، در بحث قبلی ذکر شد. فقط یک روایت جدید از امام صادق (علیه السلام) بخوانم که فرمودند: «اللَّهُ تَعَالَى يَبْغِضُ الْعَبْدَ انْ يَسْتَخْفِ بِالْجَرَمِ الْيَسِيرِ» [۱۴] خداوند متعال دشمن دارد بنده‌ای را که گناه کوچک را سبک بشمارد».

در مناجات شعبانیه می‌خوانیم: «إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ

الصغیره» باشد. معلوم می‌شود که اهمیت دارد و معنای خاصی مد نظر است؛ و الا در ضمن آن عام، این خاص گفته شده بود. اینجا حضرت دوباره بیان کرده‌اند و جالب است که بعد از تعبیر «سوء سریره» آن را ذکر کرده‌اند؛ یعنی «احتقار الصغیره» تولید «سوء سریره» می‌کند و از مواردی است که برای انسان آلودگی روحی و روانی و قلبی می‌آورد. دلیل تکرار مطلب توسط حضرت، این است که پرتگاه مؤمنان در دام گناهان کبیره، همین گناهان صغیره است.

در روایات داریم که حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّهَا لَا تُغْفَرُ؛ از گناهان کوچک بپرهیزید؛ زیرا آرمزیده نمی‌شود». سؤال شد: «وَمَا الْمُحَقَّرَاتِ؛ گناهان کوچک چیست؟». حضرت پاسخ دادند: «الرَّجُلُ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَقُولُ طُوبَى لِي لَوْلَمْ يَكُنْ لِي غَيْرُ ذَلِكَ» [۱۳] اینکه مرد گناه کند و بگوید: اینکه گناه مهمی نیست. خوشا به حالم اگر گناهم فقط این

منابع و مأخذ

- لَهَا؛ خدایا بر خویش ستم کردم در آن توجهی که بدان کردم، پس وای بر او اگر نیامرزی‌اش». «فِي النَّظَرِ لَهَا» یعنی از نفس خود هواداری و طرفداری کردم و یکی از مصادیق طرفداری، «احتقار الصغیره» است. این طور بود که به خودم ستم کردم و بار من سنگین و گناهانم زیاد شد و بازتاب آن در قلبم آمد و قلبم را تاریک کرد.
- انشاءالله همه‌ی ما از مناجات شعبانیه بهره‌مند باشیم.
- [۱]. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۳.
- [۲]. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۴۶.
- [۳]. مائده: ۵۴.
- [۴]. همان.
- [۵]. همان.
- [۶]. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۴.
- [۷]. نساء: ۳۱.
- [۸]. نجم: ۳۲.
- [۹]. گناهان کبیره و قلب سلیم، نام دو کتاب از آیت‌الله شهید دستغیب است.
- [۱۰]. تغابن: ۱۶.



[۱۱]. آل عمران: ۱۰۲.

[۱۲]. شیخ صدوق، عیون اخبار
الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۸۰.

[۱۳]. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۸۷.

[۱۴]. محمدباقر مجلسی، بحار
الانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۹.



افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر